



ÂEIN-E HOKMRANI (Scientific Journal on The Islamic Governance)
Vol.3 / No.6 / Autumn & Winter 2025
P-ISSN: 2980-7808
E-ISSN: 3092-7919
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

A Macro Policy Framework for Legislation on Hijab Based on Islamic Governance

Morteza Heydarzade

Level 4 Seminary Student (Jurisprudence and Public Law), Department of Public Law, Institute of Islamic Jurisprudence and Law, Higher Complex of Islamic Jurisprudence, Law, and Judiciary, Qom Seminary, Qom, I.R.Iran.

Email: mheydarzade313@gmail.com

Ebrahim Heydari

PhD student in Public Law, Department of Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, I.R.Iran

Email: heydari.ebrahim124@gmail.com

Reza Poorsedghi

PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Law, Principles Department, Jurisprudential Center of the Holy Imams, Qom Seminary, Qom, I.R.Iran

Email: rezapoorsedghi@gmail.com



Citation

Heydarzade,M and Heydari,E and Poorsedghi,R . (2025). A Macro Policy Framework for Legislation on Hijab Based on Islamic Governance, Aeine Hokmrani, 3(6), 365-398

[10.22034/ah.2026.2063066.1053](https://doi.org/10.22034/ah.2026.2063066.1053)

Type of Article: Research Article

Received: 08 June 2025

Revised: 03 October 2025

Accepted: 06 November 2025

Publish Online: 22 December 2025

Abstract

The issue of hijab in Iran is no longer merely an individual obligation or a purely jurisprudential matter; rather, as a multilayered challenge with cultural, political, and social dimensions, it has become one of the strategic issues of Islamic governance. The increasing spread of improper hijab and non-observance of hijab has led various institutions to make extensive efforts to draft and enact legislation aimed at managing this social challenge. However, the existing legislative policies, due to the absence of a coherent theoretical framework and insufficient comprehensiveness, have failed to adequately respond to the evolving conditions of Iranian society regarding chastity and hijab. On this basis, the present study, by raising the central question of “What macro policies, grounded in Islamic governance, exist in the field of promoting hijab for guiding the legislative system in this area?”, seeks to provide a coherent and effective framework for legislative policymaking in this domain. This study is based on the method of extra-textual thematic interpretation with an inferential approach, in which the data have been extracted and analyzed on the basis of the primary and overarching source of Islamic governance, namely the Holy Qur’an. The study begins by analyzing the issue of non-observance of hijab within the framework of cognitive warfare and disruption in the system of social meaning-making. It then, through the application of principles of religious policymaking, derives a set of macro policies within seven major axes: jihad of clarification (Jihad Tabyin), education and cultural development, role modeling, family-centeredness, social popularization and targeted encouragement and punishment. The findings indicate that the focal point of governance in this domain is jihad of clarification aimed at neutralizing the cognitive warfare waged by the enemies of Islamic society. Despite their great importance and the necessity of systematic consideration within the legislative process, the other policies will demonstrate their effectiveness only in full coordination with jihad of clarification.

Keywords

Hijab, Islamic Governance, Macro Policies, Cognitive Warfare, Jihad of Clarification.





دوفصلنامه علمی پژوهشی در حوزه حکمرانی اسلامی
سال سوم / شماره ۶ / پاییز و زمستان ۱۴۰۴
P-ISSN: 2980-7808
E-ISSN: 3092-7919
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

چهارچوب سیاستی کلان برای قانونگذاری در حوزه حجاب مبتنی بر حکمرانی اسلامی

مرتضی حیدرزاده ^{ID}

طلبه سطح ۴ فقه و حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، مؤسسه فقه و حقوق اسلامی، مجتمع عالی فقه، حقوق و قضای اسلامی، حوزه علمیه قم، قم، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)

mheydarzade313@gmail.com

ابراهیم حیدری ^{ID}

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، جمهوری اسلامی ایران

heydari.abrahim124@gmail.com

رضا پورصدقی ^{ID}

دکتری فقه و مبانی حقوق، گروه اصول مرکز فقهی ائمه اطهار، حوزه علمیه قم، قم، جمهوری اسلامی ایران

rezapoorsedghi@gmail.com



استناد به این مقاله:

حیدرزاده، مرتضی و حیدری، ابراهیم و پورصدقی، رضا (۱۴۰۴). چهارچوب سیاستی کلان برای قانونگذاری در حوزه حجاب مبتنی بر حکمرانی اسلامی، نشریه آیین حکمرانی، ۳(۶)، ۳۹۸-۳۶۵
[10.22034/ah.2026.2063066.1053](https://doi.org/10.22034/ah.2026.2063066.1053)

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۱
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

مسئله حجاب در ایران، دیگر فقط یک تکلیف فردی یا موضوع فقهی نیست، بلکه به مثابه چالشی چندلایه با ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، به یکی از مسائل راهبردی حکمرانی اسلامی تبدیل شده است. گسترش روزافزون بی حجابی و بدحجابی، سبب شده است تا تلاش‌های فراوانی از سوی نهادهای مختلف برای تدوین و تصویب قانون، به منظور مدیریت این چالش اجتماعی صورت گیرد، اما سیاست‌های تقنینی موجود، به سبب نبود چهارچوب نظری منسجم و عدم جامعیت کافی، پاسخگوی شرایط متحول جامعه ایران در زمینه عفاف و حجاب نیست. براین اساس پژوهش پیش رو با طرح این پرسش اصلی که «چه سیاست‌های کلانی مبتنی بر حکمرانی اسلامی در حوزه ترویج حجاب، به منظور راهبری نظام قانونگذاری در این امر وجود دارد؟» به دنبال ارائه چهارچوبی منسجم و اثربخش برای سیاست‌گذاری تقنینی در این حوزه است.

این پژوهش مبتنی بر روش تفسیر موضوعی برون‌متنی با رویکرد استنباطی است که اطلاعات آن، بر اساس منبع اصلی و کلان حکمرانی اسلامی - یعنی قرآن کریم - استخراج و تحلیل شده است. پژوهش پیش رو با تحلیل مسئله بی حجابی در چهارچوب جنگ شناختی و اختلال در نظام معناسازی اجتماعی آغاز می‌شود و سپس با بهره‌گیری از اصول سیاست‌گذاری دینی، مجموعه‌ای از سیاست‌های کلان در قالب هفت محور استخراج می‌گشود که عبارتند از: جهاد تبیین، آموزش و فرهنگ‌سازی، الگوسازی، خانواده‌محوری، مردمی‌سازی، تشویق و مجازات هدفمند. یافته‌ها نشانگر آن است که نقطه کانونی حکمرانی در این حوزه، جهاد تبیین برای خنثی‌سازی جنگ شناختی دشمنان جامعه اسلامی است. دیگر سیاست‌ها به‌رغم اهمیت بسیار بالای خود و ضرورت توجه نظام‌مند به آنها در فرایند قانونگذاری، در هماهنگی کامل با جهاد تبیین کارآمدی خود را نشان خواهند داد.

واژگان کلیدی

حجاب، حکمرانی اسلامی، سیاست‌های کلان، جنگ شناختی، جهاد تبیین.

آیین حکمرانی

سال سوم / پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۳۶۷



ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

© نویسندگان

۱. مقدمه

پدیده حجاب در نظام اسلامی، فقط یک الزام فقهی فردی نیست، بلکه دارای وجوه فرهنگی، امنیتی، اجتماعی و هویتی است که آن را به یک مسئله سیاست‌پذیر بدل کرده است. به همین سبب، نمی‌توان آن را تنها به حوزه اخلاق خصوصی یا الزام شرعی فردی تقلیل داد، بلکه باید آن را در چهارچوب سیاست‌گذاری عمومی واکاوی کرد. در سطح کلان، حجاب با نظام ارزشی اسلامی، سلامت اجتماعی، امنیت روانی عمومی و حتی هویت تمدنی جامعه اسلامی پیوند خورده است (رضایی و همکاران، بی‌تا، ص ۱۷). از این رو حجاب نه تنها ابزار پوشش، بلکه نماد مرزبندی تمدنی میان اسلام و غرب و عنصر محوری در تحقق جامعه عقیف، باثبات و متوازن است. در سال‌های اخیر، به رغم تلاش‌های گسترده نهادهای دولتی، فرهنگی و تقنینی برای ساماندهی وضعیت پوشش و عفاف در جامعه، شواهد میدانی و تحولات اجتماعی، نشان می‌دهد که پدیده بدحجابی، از یک ناهنجاری فردی به یک چالش راهبردی برای حکمرانی تبدیل شده است. مواجهه با این مسئله در قالب رویکردهای پراکنده، واکنشی، یا صرفاً انتظامی، نه تنها راه به حل مسئله نبرده، بلکه سبب تشدید گسست فرهنگی و تضعیف سرمایه اجتماعی نیز شده است. از سوی دیگر، بررسی محتوای لوایح و طرح‌ها پیشنهادی و قوانین مصوب در این حوزه، نشان می‌دهد که بیشتر این اقدام‌ها، فاقد بسته سیاستی منسجم، یکپارچه و مبتنی بر دستگاه نظری اسلام بوده‌اند.

در نظام حکمرانی اسلامی، سیاست‌گذاری فرهنگی، پیرو چهارچوبی ویژه برآمده از منابع مشروعیت است. برخلاف الگوهای سکولار که سیاست را به عرف، تجربه یا داده‌های تجربی محدود می‌کنند، در حکمرانی اسلامی، سیاست‌گذاری باید ناظر به اهداف شریعت، مصالح امت، عقلانیت دینی و هدایت ولی فقیه باشد. در چنین بستری، بازطراحی سیاست‌گذاری در حوزه حجاب، نیازمند روشی استنباطی و تحلیلی است که از یک سو با رجوع به قرآن، استنباط شده و از سوی دیگر، با مراجعه به روایات و بیانات ولی فقیه، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی، به بسط و تطبیق آنها با شرایط کنونی جامعه اسلامی پرداخت. بنابراین باید گفت که هدف این پژوهش، استخراج و تبیین سیاست‌های کلان در حوزه

● چهارچوب سیاستی کلان برای قانونگذاری در حوزه حجاب مبتنی بر حکمرانی اسلامی

حجاب، با تکیه بر منابع اصیل دینی و مبتنی بر چهارچوب حکمرانی اسلامی است؛ به گونه‌ای که به عنوان چراغ راهی برای قانونگذاران، بتواند مبنای تدوین قوانینی هماهنگ، مشروع و پاسخگوی شرایط اجتماعی ایران معاصر باشد. باید تأکید کرد این سیاست‌ها اولاً ناظر به تقنین است نه سطوح و بخش‌های دیگر اعم از عمومی و خصوصی؛ ثانیاً نحوه تبدیل آنها، نیازمند تحقیقی جداگانه می‌باشد. از این رو پرسش اصلی تحقیق این است که «چه سیاست‌های کلانی در حوزه ترویج حجاب به منظور راهبری نظام قانونگذاری در این امر و مبتنی بر حکمرانی اسلامی وجود دارد؟». فرضیه تحقیق نیز این است که کارآمدی سیاست‌های عفاف و حجاب تابع «ترکیب سیاستی متوازن» با محوریت جهاد تبیین و تکمیل‌شونده توسط آموزش، الگوسازی، حمایت‌های اقتصادی و ضمانت‌اجراهای متناسب است؛ به گونه‌ای که افزایش وزن مؤلفه‌های اقناعی (تبیین/آموزش/الگوسازی) همراه با رعایت تناسب در تعزیر، با افزایش شاخص التزام بیرونی به پوشش و کاهش نیاز به مداخله‌های قهرآمیز همبستگی مثبت دارد.

۲. چهارچوب مفهومی و ادبیات نظری

۲-۱. پیوند حکمرانی، سیاست‌گذاری و تقنین

ریچارد و اسمیت، حکمرانی را برچسب توصیفی برای برجسته کردن ماهیت در حال تغییر فرایند سیاست‌گذاری می‌دانند. از نگاه ایشان، حکمرانی تعریف نقش همه بازیگران اعم از دولتی و غیردولتی در فرایند سیاست‌گذاری است (Kennett, 2008, p.14). در واقع حکمرانی، چهارچوبی متکی بر فرایند است که مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادهای و سیاست‌ها است که مشخص می‌کند نحوه اعمال قدرت چگونه و توسط چه کسی باشد (Pierre and Peters, 2000, p.48). بنابراین حکمرانی، راهبری یک کشور یا سازمان است. فرایند راهبری از طریق کارکردهای حکمرانی یعنی سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، تسهیل‌گری و تأمین و ارائه خدمات عمومی انجام می‌گیرد (امامیان و همکاران، ۱۳۹۷،

ص ۳). این کارکردها به صورت زنجیره‌ای، در طول هم بوده و هر حلقه در جهت تکمیل حلقه بعدی، برای طراحی و تدوین و پیاده‌سازی آن، کنشی بزرگ انجام می‌دهد (Merriam-Webster, n.d). مدرسه حکمرانی شهید بهشتی نیز با تعریف حکمرانی به معنای «فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذی‌نفعان در چهارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور»، بیان می‌کند که تنظیم قوانین و فرایندهایی که بر سبک سیاست‌گذاری و نحوه نقش‌آفرینی کنشگران و ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری و اعمال قدرت، تأثیر می‌گذارد، بخشی از وظایف حکمرانی است. بنابراین سیاست‌گذاری، از کارویژه‌های اصلی حکمرانی می‌باشد. این سیاست‌ها به کمک حلقه‌های بعدی، پیاده‌سازی و اجرا و اهداف کلان حکمرانی را محقق می‌سازد.

واژه سیاست‌ها به جهت‌گیری‌ها، ترجیحات، منویات و اقدام‌های کلان یا خرد دولت‌ها در حوزه‌های مختلفی همچون فرهنگ، اقتصاد و... دلالت می‌کند (اشتریان، ۱۴۰۲، ص ۱۴). از این رو در سیاست‌گذاری عمومی مانند دیگر عرصه‌ها، بازیگرانی اعم از دولتی و غیردولتی وجود دارد. از این رهگذر وقتی از نظام‌های مردم‌سالار یا غیرمردم‌سالار یا نظام‌های بسیط و مرکب صحبت می‌شود، در واقع از نقش این بازیگران در عرصه سیاست‌گذاری سخن به میان می‌آید. وزن این بازیگران در نظام‌های سیاسی، مختلف است (ملک‌محمدی، بی‌تا، ص ۲۵). پس یکی از مهم‌ترین این بازیگران، نهادهای دولتی و حکومتی می‌باشد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، سطوح مختلف سیاست‌گذاری در سه سطح کلان، میانه و خرد، قابل تقسیم‌بندی است. سیاست‌های سطح کلان، توسط مراجع بالادستی همچون رهبری (پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام) و شورای عالی انقلاب فرهنگی اتخاذ می‌شود که به عنوان ریل و چهارچوبی برای سطح میانی (مجلس شورای اسلامی) و سطح خرد (قوای مجریه و مقننه) می‌باشد. در واقع در ادبیات سیاست‌گذاری عمومی، «سیاست‌های کلان» به مجموعه‌ای از تصمیم‌های راهبردی و کلان‌سطح گفته می‌شود که به مثابه چهارچوبی کلی، جهت‌گیری‌ها، حدود، اهداف و اولویت‌های نظام سیاسی را در روبه‌رو شدن با مسائل

● چهارچوب سیاستی کلان برای قانونگذاری در حوزه حجاب مبتنی بر حکمرانی اسلامی

عمومی، تعیین می‌کنند (Hill & Hupe, 2009, p.38). این سطح از سیاست‌ها، باتعین مرزهای گفتمانی و هنجاری، نقش چهارچوب‌ساز برای دیگر سطوح سیاست‌گذاری – شامل سیاست‌های تقنینی، بخشی، اجرایی و عملیاتی – ایفا می‌کنند و بیشتر در سطح حاکمیت یا نهادهای عالی تقنینی، با تکابه مبانی ایدئولوژیک و منافع کلان جامعه شکل می‌گیرند (Howlett, Ramesh & Perl, 2009, p.23). به بیان دیگر سیاست‌های کلان، نه درگیر جزئیات اجرایی و مقررات موضوعه، بلکه متمرکز بر «جهت‌دهی کلان قانونگذاری» و «سازگاری ساختاری با اهداف کل نظام حکمرانی» هستند. بنابراین در نظام‌های حقوقی متعارف، سیاست‌های کلان، نقش محوری در مهندسی فرایند قانونگذاری دارند و به‌عنوان «سند بالادستی نرم» یا «مجموعه‌ای از قواعد ارزشی غیرالزام‌آور» شناخته می‌شوند که ساختار و محتوا و حتی شکل قوانین مصوب را مقید می‌سازند (Peters, 2020, p.57).

۲-۲. سیاست‌گذاری اسلامی مبتنی بر حکمرانی اسلامی

سیاست‌گذاری از دو حیث فرایند تدوین سیاست‌ها و منبع و مبنای استخراج آنها، مورددقت می‌باشد. از حیث فرایند تدوین، این پژوهش از مدل چرخه‌ای بهره برده است. این چرخه، مدلی مفهومی است که فرایند سیاست‌گذاری را از خلال حرکت در مراحل متوالی به نمایش می‌گذارد (ملک‌محمدی، بی‌تا، ص ۳۵). این مدل، به‌رغم سادگی و خطی بودن، موردانتقاد برخی بوده است؛ چراکه سیاست‌گذاری را به‌صورت برهم‌کنش مراحل مختلف می‌دانند، اما در سطوح کلان قانونگذاری، بیشتر اهداف کلان مدنظر بوده و از دسترس اقتضائات اجرا به‌دور است و روشی ارزشمند برای استخراج و تحلیل بهتر سیاست‌های کلان می‌باشد. در مدل چرخه‌ای، فرایند سیاست‌گذاری متشکل از پنج مرحله می‌باشد: ۱. دستور کار (تعریف مسئله)، ۲. تدوین سیاست، ۳. اجرای سیاست، ۴. ارزیابی ۵. تغییر سیاست (Lester and Stewart, 2000, p.5). این تحقیق متکفل مرحله دوم از این چرخه می‌باشد.

از حیث مبانی و منابع استخراج سیاست‌ها، باید دانست که هر فرایند حکمرانی در

بستر ارزش‌ها و هنجارها، با اعمال قدرت مشروع انجام می‌گیرد (Bevir, 2021\ Colebatch, 2014\ Salamon, 2021 / مدرسه حکمرانی شهید بهشتی). از این‌رو حکمرانی اسلامی، شیوه و روش اعمال و تنظیم قدرت، سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها برای تحقق حیات طیبه از طریق مشارکت، هم‌افزایی و عملکرد بهینه نظام اسلامی است. در این حکمرانی، با افزایش کارآمدی نظام اسلامی، به دنبال اداره مطلوب جامعه اسلامی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، برای نیل به سعادت دنیا و آخرت امت اسلامی هستیم (رضایی و دیگران، بی‌تا، ص ۹-۲). حکمرانی اسلامی، نوع خاصی از سامان‌دهی سیاسی و اجتماعی است که مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، عقلانیت شرعی، اجتهاد پویا و ولایت‌فقیه به عنوان نهاد هدایت‌گر نظام اسلامی عمل می‌کند. در این مدل حکمرانی، سیاست‌گذاری و قانونگذاری، تنها تابع کارآمدی ابزاری یا ملاحظات اقتصادی نیست، بلکه متأثر از اهداف شریعت، مصالح امت اسلامی، عدالت، کرامت انسانی و غایات اخلاقی جامعه دینی است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۱۲). قانون در حکمرانی اسلامی، تجسد اجتماعی اصول شریعت است و ابزار نیل به حیات طیبه شمرده می‌شود. از این منظر هر سیاست کلان باید دارای منشأ مشروعیت دینی، قابلیت تفسیر فقهی و کارکرد تنظیم‌کننده در نظام اجتماعی باشد (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۰۵). بنابراین سیاست‌ها در حکمرانی اسلامی از متن دین و با توجه به نیازهای اجتماعی و برای نیل به اهداف شریعت استخراج می‌شود. قرآن کریم به عنوان عالی‌ترین سند و منبع شرع به‌شمار می‌آید. از آنجایی که اولاً در این سند، همه اصول و قواعدی که مورد نیاز بشر بوده به صورت کلان و کلی بیان شده است - تبیین جزئیات آن به سنت سپرده شده است - و ثانیاً متقن‌ترین منبع دین به‌شمار می‌رود، بهترین منبع برای استخراج سیاست‌ها و ریل‌گذاری اصلی جامعه به‌شمار می‌رود تا هیچ‌گونه شک و تردیدی در اصل این سیاست‌ها نباشد. به بیان دیگر قرآن کریم، هم سند کلان هدایت دینی است و هم سند قطعی، بی‌تردید و اجماعی در بیان معارف دینی است؛ از این‌رو در روایات اسلامی نیز هر روایتی که خلاف قرآن باشد، نامعتبر دانسته شده است.

۳. روش‌شناسی

برای استخراج سیاست‌های کلان از قرآن کریم، از روش تفسیر موضوعی استفاده شده است؛ چراکه در این روش به خلاف روش ترتیبی آیات، همه آیات مربوط به موضوع واحد، در یکجا واکاوی می‌شوند تا نگاه شارع در آن موضوع، استخراج شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱). این روش به دو صورت درون‌متنی و برون‌متنی انجام می‌شود که در این تحقیق، از روش تفسیر موضوعی برون‌متنی استفاده می‌شود. پایه‌گذار این روش شهید صدر است. در این روش، موضوع‌ها از متن جامعه به دست می‌آید، سپس نیازها و مسائل به قرآن عرضه شده و پاسخ مسائل و نیازهای لازم استخراج می‌گردد (رضایی، ۱۳۸۸، ص ۳۵). البته در این روش، باید توجه داشت که مسائل به دست آمده از نیازهای اجتماعی و تجربه بشری، سبب تحمیل نظر و رأی بر قرآن نشود. برای فهم آیات جمع‌آوری حول مسئله عرضه شده، از دو روش استخراجی و استنباطی استفاده می‌شود. از آنجایی که بناست مسئله بی‌حجابی در جامعه ایران، به قرآن عرضه شده تا پاسخ قرآن در سطح سیاست‌گذاری استخراج شود، روش استنباطی، مناسب این پژوهش است. از نگاه شهید صدر، این روش به گونه‌ای است که با مطالعه اوضاع اجتماعی و مسائل مختلف جامعه، به صورت پرسش بر قرآن عرضه می‌شود تا پاسخ آن از قرآن به دست بیاید. برای درمان ماندن از آسیب روش استنباطی، از پشته‌های رأی‌های مفسرینی استفاده می‌شود که از روش استخراجی، معانی قرآن را استخراج کرده‌اند. این کار، صحت استنباط قرآن را به درصد بالایی ارتقا خواهد داد.

البته در تحلیل و توصیف بیشتر این سیاست‌ها، در موارد اندکی از روایات و بیانات امامین انقلاب استفاده شده است که دو منبع دیگر در حکمرانی اسلامی هستند. سنت به عنوان مفسر و مبین قرآن، درجه بعدی در سلسله حجج شرعی قرار دارد. بر اساس مبانی ولایت فقیه، گفتار و رفتار ولی فقیه در مقام اداره کلان جامعه اسلامی، در صورتی که مبتنی بر مصالح امت و مستند به کتاب و سنت باشد، دارای حجیت شرعی در مقام سیاست‌گذاری و استنباط راهبردهای اجرایی است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۹). بنابراین در جمع‌بندی باید گفت روش تحقیق به صورت تلفیقی است که در استخراج و تحلیل سیاست‌ها، از قرآن کریم به

روش تفسیر موضوعی برون‌متنی و در بسط و توصیف بیشتر آنها در صورت نیاز، از سنت و بیان ولی فقیه زمان استفاده شده است.

۴. معضل بی‌حجابی در ایران

۴-۱. تحلیل مسئله بی‌حجابی در چهارچوب حکمرانی اسلامی

بر اساس مدل چرخه‌ای در ادبیات سیاست‌گذاری عمومی، مواجهه با مسائل اجتماعی، نیازمند پی‌موندن یک چرخه تصمیم‌سازی پنج مرحله‌ای است که شناسایی مسئله، اولین مرحله می‌باشد (Howlett et al., 2009, p.77). مسئله‌شناسی توصیفی - تحلیلی، شناسایی ابعاد گوناگون یک مشکل اجتماعی و تحلیل علل و عوامل به‌وجودآورنده آن است (اشتریان، ۱۴۰۱، ص ۲۳). مسائل، دارای سطوح مختلف هستند؛ طوری که گاهی به ساختارهای اقتصادی، رژیم سیاسی، وضعیت ژئوپولیتیک یک کشور و... بستگی دارد (همان، ص ۳۶). بر اساس این چهارچوب، نخستین گام برای استخراج سیاست‌های کارآمد در مواجهه با معضل بی‌حجابی، تحلیل دقیق ابعاد مسئله و تبیین علل و زمینه‌های آن است، اما این پژوهش، در مقام بیان تفصیلی آنها نیست و فقط به بیان اجمالی آنها می‌پردازد تا نقطه‌آغاز حل مسئله روشن باشد.

بررسی‌های موجود کارشناسان نشان می‌دهد که پدیده بی‌حجابی در جامعه کنونی ایران، ریشه در مجموعه‌ای از عوامل پیچیده و درهم‌تنیده‌ای دارد که می‌توان آنها را ذیل دودسته کلی واکاوی کرد: الف) عامل اصلی و محوری ب) عوامل فرعی. هدف از این تفکیک، تقلیل نقش عوامل فرعی نیست، بلکه به منظور اولویت‌بندی و تمرکز بر مؤثرترین سطوح مداخله سیاست‌گذار در روند سیاست‌گذاری است.

۴-۱-۱. عامل اصلی: جنگ ترکیبی و شناختی

تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی و شواهد تاریخی، نشانگر آن است که مسئله حجاب در ایران از آغاز، نه فقط یک موضوع فرهنگی یا دینی، بلکه پدیده‌ای سیاسی و راهبردی بوده است.

چهارچوب سیاستی کلان برای قانونگذاری در حوزه حجاب مبتنی بر حکمرانی اسلامی

از این رو مسئله زن و حجاب، از سوی استعمارگران به عنوان ابزار سلطه فرهنگی و تضعیف اراده جمعی جامعه ایرانی، هدف گذاری شده است: «پول‌های زیادی خرج می‌کنند، فعالیت زیادی می‌کنند، صدها رسانه را - از انواع و اقسام رسانه‌ها - به کار می‌گیرند برای اینکه بتوانند روی این نقطه‌ی حسّاس، [یعنی] نقطه هویت مستقل فرهنگی زن مسلمان، اثرگذاری کنند».^۱

در دهه اخیر و به ویژه پس از همه‌گیری کرونا، ابعاد شناختی و امنیتی مسئله حجاب، بیش از پیش آشکار شده است. پدیده‌ای مانند دوگانه‌سازی اجتماعی میان «الزام حجاب» و «آزادی پوشش» در افکار عمومی، بیانگر بروز نوعی ناهماهنگی شناختی در سطح جامعه است که از دل یک جنگ معناسازی هدایت می‌شود. در این فضا، هرگونه مداخله حکومتی بدون موازنه با اقناع فرهنگی، خطر تعمیق این شکاف معنایی را افزایش می‌دهد. همان‌طور که رهبر انقلاب اسلامی تصریح کرده‌اند، آنچه در ناآرامی‌های اخیر رخ داد، فقط یک اغتشاش خیابانی نبود، بلکه «دشمن یک جنگ ترکیبی را شروع کرد ... همه امکانات‌شان را وارد میدان کردند: دستگاه‌های اطلاعاتی، رسانه‌ای، فضای مجازی و تجربه‌های گذشته‌شان».^۲

در این جنگ ترکیبی، مؤثرترین ابزار دشمن، نه عملیات میدانی، بلکه ایجاد خطای محاسباتی در خواص و عموم مردم بوده است.^۳ هدف نهایی آن نیز به حاشیه‌راندن ظرفیت‌های انسانی و تمدنی زنان و مردان ایرانی است. چه ستم‌هایی که در حق زن روا داشته شده؛ مثل همین سوق دادن به تجمل و مصرف‌گرایی و آرایش‌های بیهوده... هیچ ظلمی بالاتر از این نیست؛ زیرا که او را به کلی از آرمان‌ها و اهداف تکاملی خودش غافل و منحرف می‌کند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم مینماید.^۴

۱. بیانات رهبری در دیدار مداحان اهل بیت (ع)، در تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۱۷؛ آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39136>

۲. بیانات رهبری در دیدار با دانش آموزان، در تاریخ ۱۴۰۱/۸/۱۱؛ آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51259>

۳. بیانات رهبری در دیدار با مداحان اهل بیت (ع)، در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۷؛ آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39136>

۴. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان در تاریخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۶؛ آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2407>

۴-۱-۲. عوامل فرعی مؤثر بر گسترش بی‌حجابی

در کنار جنگ شناختی و رسانه‌ای دشمن، عوامل متعدد دیگری نیز وجود دارند که به‌اذعان بیشتر متخصصان حوزه فرهنگ و سیاست، به‌عنوان بسترهای اجتماعی، زمینه تأثیرگذاری این جنگ را افزایش داده‌اند. این عوامل عمدتاً درونی، قابل‌اصلاح و سیاست‌پذیر هستند:

الف) نبود آگاهی کافی درباره فلسفه و آثار اجتماعی حجاب در میان برخی گروه‌ها، به‌ویژه جوانان؛

ب) ترویج بی‌هنجاری‌های مرتبط با پوشش در فضای مجازی و رسانه‌ها، ازجمله ترویج سبک‌های افراطی آرایش، مدگرایی و لذت‌محوری؛

ج) نقایص ساختاری در نهادهای اجتماعی، مانند اختلاط فضای کاری در اداره‌ها، عدم پیوند پایدار خانواده با دختران دانشجو و همچنین فقدان سیاست‌های مؤثر در طراحی محیط‌های عمومی؛

د) نبود الگوی اثربخش در ترویج پوشش اسلامی و نبود آموزش منسجم درباره سبک زندگی عقیفانه در نظام تربیتی؛

هـ) موانع اقتصادی در تهیه پوشاک مناسب اسلامی، ازجمله هزینه بالای چادر و سایر اقلام پوشش متعارف دینی.

۵. سیاست‌های کلان برای ترویج حجاب

پس از تحلیل و ریشه‌یابی علت‌های گسترش بی‌حجابی در جامعه ایران، لازم است بسته سیاستی منسجم و کارآمد مبتنی بر حکمرانی اسلامی استخراج گردد تا چراغ راهی برای قانونگذاران در این زمینه باشد. بدیهی است که این سیاست‌ها، ازطرفی باید مبتنی بر سند اصیل حکمرانی اسلامی - قرآن کریم - باشد و ازسوی دیگر، ناظر به حل معضل و رفع عوامل بی‌حجابی در ایران باشد.

۵-۱. جهاد تبیین

در منظومه سیاست‌گذاری اسلامی، نخستین الزام حکمرانی در مواجهه با تهدیدات

فرهنگی، به‌ویژه در حوزه حجاب، طراحی راهبردی کلان برای مقابله با جنگ شناختی دشمن است. در ادبیات راهبردی، جنگ شناختی به‌مثابه «هسته مرکزی جنگ ترکیبی» شناخته می‌شود؛ جنگی که باهدف تغییر محاسبات جامعه هدف ازطریق تحریف واقعیت‌ها، مهندسی ادراک و تضعیف اراده جمعی صورت می‌گیرد. این نوع نبرد، دراساس بر ادراک عمومی مردم و محاسبات نخبگان کشور هدف متمرکز است و در اطراف خود، انواع دیگر جنگ‌ها ازجمله جنگ اطلاعاتی، رسانه‌ای، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی را سامان می‌دهد. نتیجه چنین ترکیبی، فشار سازمان‌یافته‌ای است که افکار عمومی را تحت‌تأثیر قرار داده و زمینه تسلیم در برابر راهبردهای فرهنگی دشمن را فراهم می‌سازد.

در آموزه‌های قرآنی، مواجهه با این‌گونه حمله‌ها، ذیل مفهوم «جهاد کبیر» واکاوی شده است: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲).

این آیه به‌روشنی فرمان به جهادی بزرگ می‌دهد که مفسران آن را جهاد فکری، فرهنگی و تبلیغی دانسته‌اند، نه جهاد مسلحانه؛ جهادی که باتمام ظرفیت‌های فکری و روحی، باید در برابر سلطه معرفتی دشمنان اسلام به‌کار گرفته شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۲۲). این آیه، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نه فقط توصیه‌ای برای مقاومت فرهنگی، بلکه الزامی برای عدم تبعیت از نظام ارزش‌گذاری دشمن و مقابله فعالانه با تهاجم گفتمانی است. به‌بیان دیگر جهاد کبیر، جهاد برای حفظ استقلال معرفتی و صیانت از حقیقت در میدان نزاع گفتمانی است. ازسوی دیگر آیه ۶۰ سوره انفال نیز سیاست آمادگی فراگیر در برابر دشمن را با تعبیر «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» بیان می‌کند. مفسران و فقیهان شیعه، دایره «قوه» را فراتر از توان نظامی دانسته‌اند و آن را شامل آمادگی‌های فکری، تبلیغی، رسانه‌ای، فرهنگی و حتی اقتصادی دانسته‌اند؛ چراکه غایت این آمادگی، ایجاد بازدارندگی در دشمن است «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ» (انفال: ۶۰). بنابراین اقتدار معرفتی و اقناع عمومی، یکی از مصادیق مهم قوه در نگاه قرآن است که سیاست‌گذار اسلامی، موظف به تدارک آن است.

مقام معظم رهبری ضمن تأکید بر اینکه در جنگ شناختی، حمله به باورهای دینی و سیاسی مردم صورت می‌گیرد، یکی از مصادیق خناسان در آیه «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ»

(ناس: ۴) را تبلیغات سیاسی دستگاه‌های خارجی برای تحریف وقایع می‌داند. از این رو ایشان ضرورت تبیین مسئله حجاب را حیاتی شمرده و حجاب را تنها یک مسئله فقهی یا فردی نمی‌داند، بلکه نقطه‌ای کانونی در میدان جنگ ادراکی است: «در مسئله حجاب باید برای مخاطب تبیین شود که دعوا سر حجاب نیست؛ دعوا بر سر مسئله باحجاب و بدحجاب نیست. بحث سر اصل استقلال و ایستادگی و تقویت و اقتدار ایران اسلامی است»^۱. در چنین وضعیتی، جهاد تبیین باید فراتر از دفاع از احکام دینی، به مثابه حمله‌ای گفتمانی به مبانی فکری تمدن رقیب عمل کند. در قضیه زن در مقابل غرب، من دفاع ندارم؛ من حمله دارم! آنها باید دفاع کنند ... زن ایرانی یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به تمدن غرب زده است»^۲.

بنابراین اولین الزام دولت و حاکمیت در مسئله حجاب، تشکیل اتاق عملیات مشترک شناختی است که همه دستگاه‌های متولی در آن عضو باشند تا سیاست‌هایی جامع و هماهنگ تصمیم‌گیری و به اجرا سپرده شود؛ در حالی که در تمام قوانین پیشنهادی در حوزه حجاب تاکنون، نه تنها محور اصلی در ترویج حجاب شناخته نشده است، بلکه توجه درخوری نیز به این امر نشده است. دو راهبرد اصلی در جنگ شناختی حوزه حجاب در بیانات رهبری عبارتند از:

الف) تبیین اهداف دست‌اندرکاران ترویج بی‌حجابی در دنیا: یکی از مهم‌ترین لایه‌های سیاست کلان جهاد تبیین، افشای ابعاد پنهان و هدایت‌شده پروژه بی‌حجابی در ایران است. از منظر سیاست‌گذاری فرهنگی، شفاف‌سازی نسبت قدرت و نهادهای معناساز با تحولات سبک زندگی، پیش‌نیاز اصلی بازسازی مقاومت فرهنگی در برابر تهاجم نرم است. در این راستا باید بر این حقیقت تمرکز کرد که بسیاری از زنانی که امروز به شکل‌های مختلف در معرض رفتارهای بی‌حجابی قرار گرفته‌اند، نه از سر عناد یا ستیز با دین، بلکه به واسطه نادیده‌گرفتن

۱. بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، در تاریخ ۱۴۰۱/۷/۱۱؛ آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51048>

۲. بیانات در دیدار با ائمه جمعه کشور، در تاریخ ۱۴۰۱/۵/۵؛ آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50689>

چهارچوب سیاستی کلان برای قانونگذاری در حوزه حجاب مبتنی بر حکمرانی اسلامی

پشت‌صحنه طراحی شده این روند جهانی، به این مسیر سوق داده شده‌اند. رهبری با اشراف دقیق به این ساختار، نسبت به این مسئله هشدار داده‌اند که بسیاری از افرادی که کشف حجاب می‌کنند، اگر بدانند پشت این روند، دستگاه‌های جاسوسی و دشمنان سازمان‌یافته هویت اسلامی هستند، بی‌شک مسیر خود را اصلاح خواهند کرد^۱.

ب) تقویت هویت فرهنگی - تمدنی در برابر نفوذ گفتمانی غرب: دومین مؤلفه راهبردی در سیاست جهاد تبیین، بازسازی هویت فرهنگی جامعه بر پایه الگوهای تمدنی اسلامی - ایرانی است. مسئله حجاب، در این چهارچوب، نه تنها یک حکم شرعی، بلکه نشانگر تعلق فرهنگی، هویتی و تمدنی زن مسلمان ایرانی به دستگاه معرفتی انقلاب اسلامی است. آنچه در جنگ شناختی دشمن هدف قرار گرفته، نه فقط روسری و پوشش ظاهری، بلکه مفهوم زن مؤمن، مقاوم، فعال و برخوردار از شأن اجتماعی مستقل در چهارچوب ارزش‌های دینی است. از منظر حکمرانی اسلامی، تقویت هویت مستقل در برابر هویت بیگانه، مؤثرترین ابزار بازدارنده در برابر نفوذ گفتمان مسلط جهانی است. تجربه تاریخی انقلاب اسلامی نشان داد که زنان ایرانی، در دوره‌ای که گفتمان استقلال، عزت و کرامت دینی به گفتمان غالب اجتماعی بدل شد، به صورت خودجوش، نه تنها حجاب را برگزیدند، بلکه آن را به نماد مقاومت ملی تبدیل کردند. گزارش ساواک در دی‌ماه ۱۳۵۶ که حاکی از گسترش چشم‌گیر پوشش اسلامی در خیابان‌ها و دانشگاه‌هاست، تأییدی تاریخی بر این ظرفیت استراتژیک گفتمان‌سازی فرهنگی در متن مردم است. رهبری با تأکید بر اینکه امروز، پرچم استقلال فرهنگی زنان در دست بانوان ایرانی است، بر این نکته تأکید دارند که زن ایرانی با حفظ حجاب، معادله دروغین غرب در خصوص تضاد میان دینداری و پیشرفت را باطل کرده است. این یعنی زن محجبه ایرانی، تنها مخاطب جنگ نرم نیست، بلکه بازیگر فعال جنگ روایت‌ها و صاحب گفتمانی است که بنیادهای مشروعیت تمدن مادی غرب را به چالش می‌کشد^۲.

۱. بیانات رهبری در دیدار با مسئولان نظام، در تاریخ ۱۴۰۲/۱/۱۵؛ آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52389>

۲. بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور در تاریخ ۱۴۰۱/۵/۵؛ آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50689>

۵-۲. آموزش و فرهنگ‌سازی

در منظومه حکمرانی اسلامی، آموزش و فرهنگ‌سازی، نه فقط یک ابزار مکمل، بلکه یک سیاست بنیادین و جهت‌ساز در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود. بر اساس منطق قرآن و سیره تشریعی اسلام، هرگونه تغییر پایدار در رفتارهای فردی و جمعی، باید بر بستر اقناع ذهنی، تبیین ارزشی و نهادینه‌سازی فرهنگی شکل گیرد؛ به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند عفاف و حجاب که هم‌زمان با جنبه‌های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و هویتی سروکار دارد. ازاین‌منظر سیاست آموزش و فرهنگ‌سازی در حکمرانی دینی، تقدم رتبی و ارزشی بر سیاست‌های بازدارنده و تنبیهی دارد. به‌بیان‌دیگر پیش از آنکه سیاست‌گذار به سراغ الزام و کنترل برود، باید زمینه‌های معرفتی و اقناعی رفتار دینی را فراهم کرده باشد. چنین رویکردی، نه تنها با سنت قرآنی همخوان است، بلکه شرط لازم برای مشروعیت، کارآمدی و مقبولیت هرگونه مداخله حکومتی در حوزه سبک زندگی شمرده می‌شود.

مکارم شیرازی، آیه‌های آخر سوره نحل را مجموعه دستورهایی برای پیغمبر ﷺ در مقابل مخالفین اسلام و احکام اسلامی می‌داند. اولین و مهم‌ترین دستور، دعوت مخالفین به اسلام از طریق استدلال و منطق و روشن‌سازی مطالب است (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ) (نحل: ۱۲۵). به‌بیان‌دیگر دست‌انداختن در درون فکر و اندیشه مردم و به‌حرکت‌درآوردن آن و بیدارساختن عقل‌های خفته نخستین گام شمرده می‌شود. پس از مرحله آموزش اذهان و افکار، نوبت به فرهنگ‌سازی و استفاده از عواطف و احساسات آنها دستور دوم در این آیه‌ها برای دعوت مردم است (وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ) (همان)؛ چراکه موعظه و اندرز بیشتر جنبه عاطفی دارد که با تحریک آن می‌توان توده‌های عظیم مردم را به طرف حق متوجه ساخت. موعظه - فرهنگ‌سازی - هنگامی اثر عمیق خود را می‌بخشد که «حسنة» باشد و به‌صورت زیبایی پیاده شود. در مرحله آخر، برای افرادی که ذهن آنها سراسر شبهه است، دستور جدال احسن را می‌دهد (وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) (همان/ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱،

دیدار با مداحان اهل بیت (ع)، در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۷؛ آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39136>

چهارچوب سیاستی کلان برای قانونگذاری در حوزه حجاب مبتنی بر حکمرانی اسلامی

ص ۴۵۵-۴۵۶). از منظر تعالیم اسلامی، مقابله با مفساد اجتماعی، به‌ویژه در حوزه عفاف و حیا، فقط با ابزارهای کیفری و اجرای حدود حاصل نمی‌شود. تجربه تاریخی و آموزه‌های دینی نشان می‌دهند که هیچ مسئله اجتماعی‌ای، تنها از مسیر مجازات به‌صورت پایدار حل نخواهد شد. در نگاه قرآن‌محور و عقلانی اسلام، اصلاح اجتماعی نیازمند طراحی یک منظومه چندبعدی است که در آن، آموزش‌های فکری و معرفتی، تربیت اخلاقی و عاطفی، نهادینه‌سازی ارزش‌ها و ایجاد محیط اجتماعی سالم درکنار یکدیگر قرار می‌گیرند. در این منظومه، مجازات، تنها به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مکمل شمرده می‌شود، نه راهکار اصلی یا مقدم (قرائتی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۱۲).

از منظر رهبری، هرگونه اقدام ایجابی یا بازدارنده در حوزه حجاب، هنگامی موفق است که جامعه، به‌ویژه نسل جوان، نسبت به فلسفه، حکمت و کارکردهای فردی و اجتماعی حجاب آگاهی یافته و با آن همدلی پیدا کند. رهبر معظم انقلاب تأکید دارند بهترین راه تأمین حجاب هم همین است که با منطق برخورد شود... ذهن این دختر جوان را با اهمیت حجاب آشنا کنید؛ یعنی به او تفهیم کنید که حجاب از لحاظ شرعی و از لحاظ منطقی این است. در ذهن او، استدلال صحیح را در مورد رعایت حجاب راسخ کنید^۱. سه راهبرد اصلی و محوری در حکمرانی اسلامی برای آموزش و ترویج فرهنگ حجاب در جامعه، عبارت است از:

۱-۲-۵. حریم‌داری بین مرد و زن

یکی از راهبردهای اساسی در سیاست‌گذاری فرهنگی حوزه عفاف و حجاب، تأسیس نظام روابط زن و مرد بر مبنای «نظریه حریم جنسی» در شریعت اسلامی است. براساس این مبنا حجاب شرعی نه یک اصل مستقل، بلکه بخشی از یک منظومه هنجاری کلان‌تر است که هدف آن، ایجاد و صیانت از مرزهای رفتاری، روانی و اجتماعی میان دو جنس در فضای عمومی و مختلط است. درواقع سیاست حجاب بدون توجه به مبنای

۱. بیانات رهبری در دیدار با مدیران مسئول نشریات دانشجویی در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۴؛ آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7571>

زیرساختی آن، یعنی «حریم‌داری جنسی»، دچار تقلیل‌گرایی و کارکردزدایی خواهد شد و اثرگذاری اجتماعی خود را از دست خواهد داد.

پژوهش‌های ناظر به فقه اجتماعی اسلامی، نشان می‌دهد که روح حاکم بر احکام عفاف، مبتنی بر تقلیل تماس و تعامل غیرضرور میان زن و مرد در بستر جامعه است، تا از این طریق، انگیزش‌های غریزی به صورت طبیعی به درون نهاد خانواده سوق داده شود (ن.ک: ملامیرزایی و دیگران، ۱۳۹۷). شهید مطهری در تحلیل آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكُمْ أَزْكَى أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَآ يُوْذِينَ» (احزاب: ۵۹) تصریح می‌کند که هدف اصلی آیه، تعیین محدوده پوشش نیست، بلکه تأکید بر حفظ حریم عفاف به عنوان اصل کلان رفتاری در تعاملات اجتماعی است (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۶۲-۱۶۳). به تعبیر ایشان، آنچه اسلام در قالب حجاب دنبال می‌کند، محدودسازی لذت‌های جنسی - اعم از دیداری، شنیداری و لمسی - به درون نهاد خانواده است و نه فقط تعیین مقدار پوشش ظاهری.

در سطح تحلیلی‌تر، این نگاه، برخاسته از یک اصل روان‌شناختی ژرف است. گزینه جنسی در انسان، یکی از نیرومندترین و پیچیده‌ترین غرایز است و در صورت نبود چهارچوب‌های کنترلی مناسب، به سرعت دچار سرکشی، تمرد و تخریب نظام اجتماعی می‌شود. شهید مطهری به درستی وامی‌کاود که اگر تماس‌های آزاد و بی‌قاعده میان زن و مرد در جامعه رواج یابد، تقاضای جنسی از حالت طبیعی خارج شده و به یک عطش روحی مزمن و اشباع‌ناپذیر تبدیل می‌شود؛ پدیده‌ای که ریشه بسیاری از اختلالات فردی، خانوادگی و اجتماعی در جوامع مدرن امروز است (همان، ص ۷۷). این واقعیت، حکمرانی دینی را بر آن می‌دارد تا به جای تن دادن به برابری صوری، نظام تفکیک نقش‌ها و تنظیم مناسبات جنسیتی مبتنی بر اخلاق و عفاف را مبنای قرار دهد.

از این منظر شریعت اسلامی تنها به یک حکم الزام‌آور بسنده نکرده است، بلکه مجموعه‌ای از احکام پنج‌گانه را در موضوع تعامل زن و مرد به کار گرفته است تا بتواند نظامی متعادل، متکی بر عزت انسانی و حافظ سلامت روانی جامعه بنا نهد. حریم‌داری زن در برابر مرد که در

چهارچوب سیاستی کلان برای قانونگذاری در حوزه حجاب مبتنی بر حکمرانی اسلامی

روایات به‌عنوان نشانه‌ای از کرامت و شخصیت زن معرفی شده (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، ص ۳۶)، در این چهارچوب، نه نماد انزوا یا تحقیر، بلکه سیاستی برای حفظ موقعیت اجتماعی و صیانت از فضای اخلاقی جامعه است.

۲-۵. نهادینه‌سازی عفاف در جامعه به‌عنوان ریشه‌گرایی فرد به حجاب و عدم خودنمایی افراطی

در حکمرانی اسلامی، هرگونه سیاست‌گذاری در حوزه سبک زندگی، تنها زمانی به پایداری و اثربخشی می‌رسد که مبتنی بر تحولی درونی در باورها و کنش‌های فردی باشد. به‌همین سبب در سیاست فرهنگی مربوط به حجاب، تنها پرداختن به ظاهر پوشش کفایت نمی‌کند، بلکه باید فرایند نهادینه‌سازی مفهوم «عفاف» به‌عنوان عنصر نرم، باطنی و تعیین‌کننده در پایداری حجاب در کانون سیاست‌گذاری قرار گیرد. ازمنظر روان‌شناسی اخلاق اسلامی، عفاف را می‌توان به‌عنوان یک فضیلت نفسانی - اعم از فرد مؤمن یا حتی انسان فاقد اعتقاد دینی - در نظر گرفت که زمینه‌ساز نوعی خودکنترلی در مواجهه با گرایش‌های جنسی و انگیزه‌های خودنمایی است. تحلیل‌های ناظر به تجربیات فرهنگی نشان می‌دهد که حتی در افرادی با اعتقادات ضعیف دینی، نوعی حیا و شرم درونی می‌تواند مانع از ارتکاب رفتارهای هنجارشکن شود؛ بنابراین، عفاف نه‌فقط پیامد حجاب، بلکه یکی از پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری و تقویت آن به‌شمار می‌رود (ن.ک: ملامیرزایی و دیگران، ۱۳۹۷).

در ادبیات قرآنی نیز این تقدم معنوی عفاف نسبت به حجاب، به‌روشنی دیده می‌شود. در آیه ۲۶ سوره اعراف، قرآن ابتدا به پوشش ظاهری اشاره می‌کند که سبب پوشاندن سوء و ناپاکی‌هاست، اما بلافاصله از «لباس تقوا» به‌عنوان لباس برتر یاد می‌کند. بنا بر تفسیر روایی از امام باقر (ع)، «لباس تقوا» همان عفاف است و کسی که دارای این ملکه نفسانی باشد، حتی در صورت نداشتن پوشش کامل، خود را در معرض خودنمایی قرار نمی‌دهد و در مقابل، انسان بی‌عفت، با وجود لباس کامل، در معرض تبزج و تحریک قرار دارد (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۲۵). بنابراین در واکاوی سیاست‌گذارانه، عفاف به‌عنوان یک متغیر بنیادین در نظام بازدارندگی درونی عمل می‌کند که توانایی زنان و مردان را در مقابله با جنگ شناختی دشمن،

به‌ویژه در حوزه هویت جنسی، افزایش می‌دهد. این نگاه، با یافته‌های روان‌شناختی نیز سازگار است و نشان می‌دهد که گرایش به حجاب، افزون‌بر عوامل اجتماعی، برآمده از غریزه فطری شرم و حیاست که در روان زنانه، نقش انگیزشی دارد (ن.ک: معین‌الاسلام و طیبی، ۱۳۸۱). ازسوی دیگر ساختار قرآنی مرتبط با سیاست پوشش در سوره نور نیز همین ترتیب منطقی را رعایت کرده است. نخست دعوت به غض بصر (عفت نگاه) و حفظ فرج برای مردان و زنان به‌مثابه سیاست کنترل درونی ارائه شده است (نور: ۳۰ و ۳۱). خداوند متعال این دستور را نخست به مردان داده که نشان‌دهنده آن است که مردان از نگاه به زن، بیشتر دچار فساد و انحراف می‌شوند تا زنان؛ ازاین‌رو برای آنان لازم‌تر است (مدرسی، ۱۴۹۱، ج ۸، ص ۳۰۱). سپس دستور به تشویق ازدواج برای مدیریت غریزه آمده است (نور: ۳۲). درنهایت برای افراد فاقد شرایط ازدواج، دوباره توصیه به تقوای فردی و عفاف مطرح شده است (همان: ۳۳). این سیر نشان می‌دهد که عفاف‌ورزی نه‌تنها شرط لازم حجاب، بلکه راهبردی جایگزین در شرایط خاص نیز هست.

در حوزه کنش‌های اجتماعی نیز، عفاف رفتاری یکی از مهم‌ترین جلوه‌های حضور مؤمنانه در جامعه است. بر اساس تحلیل شهید مطهری، دو رکن اصلی اخلاق جنسی در نظام اسلامی عبارتند از: عفت زن و غیرت مرد. این دو مؤلفه در یک رابطه دوطرفه به تقویت یکدیگر می‌انجامند (مطهری، بی‌تا، ص ۶۶-۶۷). به‌همین سبب در منطق سیاست‌گذاری اسلامی، تقویت غیرت در مردان، به‌مثابه عاملی تسهیل‌کننده در محافظت از فضای اخلاقی جامعه، باید موردتوجه ویژه قرار گیرد. امام علی^{علیه السلام} این پیوند را چنین تبیین می‌کنند: «دلیل غیرت مرد، عفت اوست» (آمدی، ۱۳۶۸، ح ۵۱۰۴). در سیره علوی نیز مشاهده می‌شود که هنگام بروز رفتارهای ناهنجار در اجتماع - برخورد زنان با مردان در بازار - نخستین عتاب ایشان به غیرت مردان است (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۵۳۶/ برقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۵).

همین پیوستگی عفاف و غیرت در داستان حضرت موسی^{علیه السلام} و دختران شعیب^{علیهم السلام} نیز باظرافت واکاوی شده است. قرآن، رفتار دختران را «مشی استیحاء» توصیف می‌کند و علامه طباطبایی این تعبیر را نمایانگر تجلّی نجابت و وقار در ساحت رفتار بیرونی زن می‌داند

چهارچوب سیاستی کلان برای قانونگذاری در حوزه حجاب مبتنی بر حکمرانی اسلامی

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۵). ایشان می‌گویند حضرت موسی علیه السلام از گفتار این دو دختر متوجه شد که یکی از علت‌های نرفتن به سوی چاه آب، حیا و عفت آن دو بوده است. همچنین در جریان دعوت حضرت موسی علیه السلام برای اخذ اجرت نیز به خاطر وزش باد و کناررفتن یا چسبیدن لباس یکی از دختران به بدن او، عفت و غیرت موسی علیه السلام اجازه نمی‌دهد. از این رو خود در جلوی آن دختر حرکت می‌کند و از او می‌خواهد او را راهنمایی کند. در طول مسیر، باز حضرت موسی علیه السلام از آن دختر می‌خواهد که با انداختن سنگ، مسیر حرکت را برای او مشخص کند نه با کلام؛ رفتاری که اوج ترکیب عفاف و غیرت در تعامل جنسیتی است (برازش، ۱۳۹۴، ص ۱۸۸). البته در نظام سیاست‌گذاری اسلامی، این سطح از ظرافت رفتاری، نمی‌تواند فقط از طریق الزام یا موعظه به دست بیاید، بلکه نیازمند نهادینه‌سازی مفهومی عفاف از طریق آموزش‌های دینی، رسانه‌ای، خانواده‌محور و مشارکت‌جویانه است.

نقطه‌مقابل عفاف در ادبیات دینی، تبرّج و خودنمایی است. بر اساس آیه ۳۳ سوره احزاب، تبرّج به مثابه نماد جاهلیت جنسی و بی‌نظمی اخلاقی معرفی شده است. مفسران تصریح دارند که این حکم گرچه در خطاب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، اما ناظر به یک قاعده عمومی رفتاری برای همه زنان مسلمان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۹۰). حتی در مواردی که قرآن به زنان سالخورده اجازه پوشش آزادتر داده، عدم تبرّج را همچنان شرط اصلی این تخفیف حکم معرفی کرده است.

با تقویت فرهنگ عفاف، نه تنها انگیزش جنسی در جامعه معتدل می‌شود (آمدی، ۱۳۶۸، ح ۲۱۴۸)، بلکه فضای اخلاقی، روانی و اجتماعی جامعه، از ثبات، امنیت و آرامشی برخوردار می‌شود که پیامد حجاب اصیل و عفیفانه است (همان، ح ۴۵۹۳).

۵-۲-۳. الگوسازی

در هندسه کلان فرهنگ‌سازی اسلامی، الگوسازی نه یک راهکار مکمل، بلکه سیاستی بنیادین در مهندسی افکار عمومی و رفتار جمعی است. قرآن کریم در سوره احزاب، ضمن ترسیم ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان اسوه حسنه (احزاب: ۲۱)، الگوی رفتاری خانواده آن حضرت، به ویژه همسران ایشان را نیز در جایگاه رهبری فرهنگی زنان جامعه اسلامی قرار

می‌دهد. تحلیل ترتیبی و مفهومی آیات ۲۸ تا ۳۳ سوره احزاب نشان می‌دهد که پیش از آنکه خداوند، مؤمنان را به پذیرش الزام حجاب و حدود رفتاری دعوت کند، ابتدا با اصلاح رفتار و پوشش همسران پیامبر ﷺ به عنوان نماد زن مسلمان، زمینه‌سازی الگویی صورت گرفته است. در آیه ۶ همین سوره، زنان پیامبر ﷺ به صراحت «مادران مؤمنان» خوانده می‌شوند و همین جایگاه، به آنان نقشی فراتر از تکلیف شخصی می‌بخشد. در واقع پیش‌نیاز پذیرش عمومی یک حکم اجتماعی، مشاهده نسخه مجسم آن در میان الگوهای مقبول و مرجع است. به همین سبب دستور پوشش و عفاف، نخست متوجه زنان پیامبر ﷺ شد تا زمینه قاعده‌سازی برای دیگر مؤمنان فراهم شود. تفسیر المیزان و تفسیر نمونه هر دو تأکید می‌کنند که میزان سخت‌گیری نسبت به زنان پیامبر ﷺ، تنها به سبب جایگاه فردی آنها نبوده، بلکه به خاطر نقش نهادینه‌ساز و هویت‌ساز آنان برای دیگر زنان جامعه اسلامی بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۷۹).

از این رو در چهارچوب حکمرانی اسلامی، این آموزه قرآنی به یک اصل در سیاست‌گذاری فرهنگی بدل می‌شود: «الگوسازی موفق، مقدمه اقناع عمومی است و زمینه‌ساز پذیرش اجتماعی احکام و ارزش‌های دینی». هرچاکه الگوهای هویتی مشروع، قدرتمند و در دسترس باشند، رفتارهای ارزشی به جای تحمیل، از مسیر «جاذبه» و «مقبولیت» تثبیت می‌شوند. این منطق، در بیانات رهبری نیز با واکاوی دقیق به کار گرفته شده است. ایشان با رویکردی راهبردی، به نقش الگوهای زنده و معاصر، به ویژه زنان موفق محجبه در فضاهای بین‌المللی اشاره دارند و از آن به عنوان یک ابزار اقناع فرهنگی در تراز جهانی یاد می‌کنند. حضور زنان ایرانی در عرصه‌های ورزشی جهانی، در عین رعایت حجاب اسلامی، قوی‌ترین تبلیغ غیر مستقیم برای فلسفه و زیبایی‌شناسی حجاب به شمار می‌رود^۱.

۵-۳. تقویت بنیان خانواده

در منظومه حکمرانی اسلامی، خانواده به مثابه خشت بنیادین نظام اجتماعی، جایگاهی

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان در تاریخ ۱۴/۱۰/۱۴۰۱؛ آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51655>

چهارچوب سیاستی کلان برای قانونگذاری در حوزه حجاب مبتنی بر حکمرانی اسلامی

منحصربه‌فرد در فرایند تربیت، انتقال ارزش‌ها و مقاوم‌سازی فرهنگی دارد. برخلاف رویکردهای سکولار که خانواده را تنها در حیطه زیست فردی و نفع اقتصادی تحلیل می‌کنند، در اندیشه اسلامی، خانواده رکن اصلی تربیت نسلی مؤمن، عفیف و مقاوم در برابر تهاجمات معرفتی و فرهنگی است. بر همین اساس خانواده نه فقط یکی از نهادهای مؤثر، بلکه «بستر اصلی تحقق عفاف و حجاب» در جامعه شمرده می‌شود و سیاست‌گذاری در این حوزه، بدون توجه به نقش مرکزی آن، دچار سطحی‌نگری خواهد شد.

از منظر مبانی قرآنی، آیه ۳۳ سوره احزاب با فرمان «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» الگویی را برای حضور اجتماعی زن ترسیم می‌کند که در آن، آرامش، وقار و حیا، نقطه مرکزی نقش‌آفرینی زن در خانه و جامعه است. علامه طباطبایی با تأکید بر واژه «قرار»، آن را به معنای ثبات همراه با آرامش دانسته و تصریح می‌کند که این فرمان الهی، ناظر به حفظ قوام خانواده از طریق تمرکز زن بر کارکرد محوری خود در تربیت نسل و در نتیجه حفظ مرزهای اخلاقی جامعه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۸۲). البته مکارم شیرازی، آیه را نافی نقش اجتماعی زن نمی‌داند، بلکه آن را مبتنی بر تقدم نقش مادری و خانوادگی بر نقش اجتماعی تفسیر می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۸۹-۲۹۰). به بیان دیگر قرآن در این آیه، همزمان دو پیام راهبردی ارائه می‌دهد: نخست اینکه هنجارهای جنسی در جامعه باید مهار شوند؛ دوم آنکه این مهار از درون نهاد خانواده آغاز می‌شود؛ به‌ویژه از طریق تقویت نقش زن به عنوان محور آرامش و اخلاق.

نقش خانواده در تحقق عفاف، تنها محدود به نظارت یا ارشاد اخلاقی نیست، بلکه در منطق اجتماعی اسلام، حجاب و پوشش به عنوان سازوکار محدودسازی لذت‌های جنسی به درون نهاد خانواده معنا می‌یابد. شهید مطهری با واکاوی دقیق فلسفه پوشش اسلامی، تأکید می‌کند که تمرکز اسلام بر انحصار بهره‌مندی جنسی در چهارچوب ازدواج، سبب تثبیت پیوند روانی زوجین، تقویت احساس تعلق و همچنین کاستن از رقابت‌های جنسی بیرونی می‌شود. وی هشدار می‌دهد که آزادی جنسی در عرصه عمومی، به فروپاشی پیوند زناشویی، کاهش انگیزه ازدواج و همچنین شکل‌گیری احساس رقابت و بی‌اعتمادی میان زوجین می‌انجامد

(مطهری، ۱۳۷۹، ص ۸۱-۸۳). این تحلیل نشان می‌دهد که سیاست حجاب، در منطق اسلامی، تابعی از سیاست تقویت خانواده است، نه امری به صرف فردی یا انتظامی. در منطق حکمرانی اسلامی، خانواده محوری در حوزه عفاف و حجاب به معنای بازتعریف نظام سیاست‌گذاری فرهنگی است؛ آن هم نه فقط به عنوان یک «ذی نفع»، بلکه به عنوان «بازیگر اصلی». به همین منظور، سیاست‌گذار اسلامی باید در چند سطح اقدام کند: الف) بازطراحی ساختارهای حمایتی برای ایفای نقش مؤثر مادری، هم از بُعد اقتصادی (از طریق مشاغل خانواده محور برای زنان متخصص) و هم از بُعد هویتی (تکریم منزلت مادری در قوانین و برنامه‌ها؛ ب) تغییر نگاه دستگاه‌های دولتی و فرهنگی به سوی نقش تسهیل‌گر در تقویت خانواده؛ ج) تربیت نسل جدید بر اساس الگویی که عفاف، غیرت، وفاداری و آرامش خانوادگی در آن در مرکز باشد، نه کارکردهای نمایشی و رقابتی زن در فضای اجتماعی.

۵-۳. حمایت و تشویق

در نظام حکمرانی اسلامی، تشویق و حمایت از کنشگران فضیلت‌مدار، بخشی جدایی‌ناپذیر از منطق سیاست‌گذاری دینی به شمار می‌آید؛ منطق تربیتی‌ای که برخلاف انگاره‌های قهرگرایانه یا کیفری صرف، بر تقویت انگیزه‌های درونی، برجسته‌سازی الگوهای موفق و ایجاد فرصت‌های مشوق برای کنش فضیلت‌آمیز بنا شده است. این منطق، ریشه در مبانی قرآنی و سیره انبیا دارد که همواره تلاش کرده‌اند نه با اجبار و الزام، بلکه با اقناع، ترغیب و اعطای پاداش معنوی و حتی دنیوی، رفتارهای مطلوب را نهادینه کنند.

بر اساس تحلیل تفسیری محسن قرائتی ذیل آیات مختلف قرآن کریم، دعوت به خوبی‌ها و احکام الهی از طریق تکریم از خوبان و عاملان به شرع، یکی از سیاست‌های بنیادین قرآنی است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۳۶۷). این سیاست، برخاسته از شأن ربوبی خداوند در مقام تربیت نفوس انسانی است، که به طور طبیعی، نسبت تشویق به تنبیه را در شریعت ده‌به‌یک قرار داده است (همان، ص ۵۹۳). در آیات متعددی، از جمله در باب انفاق (بقره: ۲۴۵) یا دعوت به جهاد (انفال: ۶۵)، می‌بینیم که پیامبران نه از باب اجبار، بلکه با بشارت و تشویق مؤمنان به

● چهارچوب سیاستی کلان برای قانونگذاری در حوزه حجاب مبتنی بر حکمرانی اسلامی

مشارکت، سیاست‌گذاری کرده‌اند و حتی خداوند متعال، برای تحریک انگیزه مؤمنان، خود را «خزیدار قرض الحسنه» معرفی می‌کند (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۸۱). در مواردی نیز، از وعده عفو و مغفرت الهی برای تقویت اراده اخلاقی بهره گرفته شده است، از جمله «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ...» (انفال: ۲۹) که دلالتی آشکار بر پاداش‌های معنوی برای ترک گناه و بازگشت به تقوا دارد.

با تأمل در این آیات می‌توان اصولی راهبردی برای سیاست‌گذاری در حوزه حجاب استخراج کرد: به جای تمرکز صرف بر الزام و اجبار، باید بر تشویق مؤمنان به کنش عفیفانه، حمایت از بازگشت‌کنندگان به حجاب و ترویج داوطلبانه سبک زندگی اسلامی تمرکز کرد. این رویکرد، به‌ویژه در مواجهه با افشاری که به دلایل فرهنگی یا روانی، فاصله‌گیری از الگوهای حجاب داشته‌اند، اثربخش‌تر خواهد بود؛ چراکه هم با عقلانیت دینی سازگار است و هم از نظر جامعه‌شناسی تربیتی، با سازوکار تغییر رفتار هم‌راستا است. بر همین اساس سیاست تشویق و حمایت باید در سه سطح اصلی طراحی و اعمال شود:

الف) حمایت رفتاری و هویتی و حتی کفیری از افرادی که مسیر بازگشت به حجاب را برمی‌گزینند؛

ب) سیاست‌گذاری مشوقانه و حمایتی در حوزه اقتصادی و تولیدی؛

ج) حمایت محتوایی از تولیدات رسانه‌ای در زمینه عفاف و حجاب.

۵-۴. مردمی‌سازی ترویج حجاب و مقابله با بی‌حجابی

یکی از شاخصه‌های ممتاز نظام اجتماعی مطلوب در چهارچوب حکمرانی اسلامی، بسط نظارت عمومی در قالب امر به معروف و نهی از منکر مردمی است. این مشارکت نه تنها یک وظیفه فردی، بلکه سازوکاری نهادی شده برای تحقق خودتنظیمی اخلاقی و تعادل ارزشی جامعه دینی شمرده می‌شود؛ سازوکاری که در آن مردم، به‌عنوان ذی‌نفعان حقیقی ارزش‌های اسلامی، مسئولیت صیانت از فرهنگ عمومی را در سطح رفتارهای فردی و جمعی برعهده دارند.

قرآن کریم در آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ

عَنِ الْمُتَّكِرِ» (توبه: ۷۱)، نوعی از مشارکت اجتماعی مبتنی بر ولایت متقابل ایمانی را توصیف می‌کند که در آن، روابط بین فرد و جامعه فقط بر مبنای قراردادهای حقوقی یا منافع متقابل نیست، بلکه بر اساس پیوند ایمانی و تکلیف اخلاقی شکل می‌گیرد. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه، رابطه ولایی میان مؤمنان را ناظر بر یک نوع تعهد اجتماعی فعال در قبال یکدیگر می‌داند؛ به گونه‌ای که هر فرد مؤمن در برابر انحراف‌های اجتماعی مسئول است و مشارکت او در کنترل اجتماعی و اصلاح فرهنگی واجب می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۹، ص ۳۳۸). همچنین به تصریح قرائتی، این آیه ناظر به حق نظارت همراه با محبت مؤمنان بر یکدیگر است، نه بی تفاوتی یا تقابل خشک و بی رحمانه (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۴۶۳).

از منظر حکمرانی اسلامی، چنین سازوکاری، جایگزین مناسبی برای تمرکزگرایی فرهنگی صرف است و در منطق سیاست‌گذاری دینی، واجد آثار و کارکردهایی است که بدون مشارکت مردم، از طریق ابزارهای رسمی حکومت قابل تحقق نیست. امر به معروف و نهی از منکر، به ویژه در قالب‌های «تذکر نرم، محبت‌آمیز و بین‌فردی»، ظرفیت آن را دارد که به صورت یک سرمایه اجتماعی برای بازتولید ارزش‌های عفاف و حجاب در جامعه عمل کند.

منابع روایی نیز آشکارا این سازوکار را ضامن تحقق و استمرار دیگر ارزش‌های دینی می‌دانند. در روایت معروف از امام باقر (ع): «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُتَّكِرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ... وَ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ تَقَامُ بِهَا الْفَرَائِضُ» (کلینی، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، ص ۵۶)، این فریضه به عنوان زیرساختی برای اقامه دیگر فرایض معرفی شده است. بنابراین مردمی‌سازی امر به معروف، نه فقط توصیه اخلاقی، بلکه سیاستی بنیادین در حفظ هویت دینی جامعه است. درهمین راستا استفاده از ظرفیت گروه‌های مدنی مثل گسترش گروه‌های خودجوش و گفت‌وگوی مؤمنانه در محیط‌های اجتماعی، نظیر بازار، دانشگاه، پارک، مترو و...، که با ادبیات محبت‌آمیز، همدلانه و غیرتحقیرکننده با افراد بدحجاب روبه‌رو می‌شوند، باید در اولویت سیاست‌های ترویجی قرار گیرد. این اقدامات اگر به درستی هدایت، آموزش و حمایت شوند، می‌توانند به الگویی برای بازتولید تدریجی هنجار حجاب در سطح اجتماع بدل شوند. در مجموع مردمی‌سازی سیاست حجاب، به معنای انتقال بخش زیادی از

ظرفیت اقتناع و تذکر فرهنگی از دولت به جامعه است؛ به طوری که با تداوم ارتباط اخلاقی، انسانی و شناختی، نوعی مقاومت در برابر ناهنجاری بی حجابی از درون اجتماع شکل بگیرد، نه فقط از بالا به پایین.

۵-۵. تنبیه و مجازات

در ادیان الهی، همیشه در کنار تبشیر مردم، تنذیر آنها از سوی انبیا نیز مطرح بوده است: «وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ...» (انعام، ۴۸) و پس از رحمت الهی، غضب الهی «أَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ» (صحیفه سجاده، دعای ۱۶) و پس از تشویق و پاداش آنها به بهشت، مجازات مجرمین به عذاب نیز وجود داشته است. تنبیه در کنار تشویق و حمایت همیشه یکی از سیاست‌های پررنگ قرآنی بوده است که در جای جای معارف اسلامی وجود دارد؛ از این رو تشویق و هشدار، در کنار هم عامل رشد است. جمله «فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ» عامل تشویق، و جمله «مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» هشدار است (بقره: ۲۷۰ / قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۳۰). در قوانین اجتماعی، قرآن نیز احکام مجازاتی از قبیل حد، قصاص، دیه و تعزیر وجود داشته است. بنابراین استفاده از قوه قهریه در کنار آموزش، فرهنگ‌سازی و تشویق امری ناگزیر برای مقابله با بی‌هنجاری‌ها در جامعه است. همیشه افراد و گروه‌هایی وجود دارد که به دنبال طغیان در مقابل قانون هستند. افزون بر آن، همیشه دست‌های خارجی با اجیرکردن افرادی وابسته با پول و... به دنبال ضربه زدن به فرهنگ ایرانی اسلامی مردم هستند که باید با آنها برخورد قهری شود. قرآن کریم در آیه «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ» (نحل: ۸۸)، افرادی که در دعوت دیگران به بدی‌ها مؤثر هستند را دعوت به عذاب مضاعف کرده است. همچنین بر اساس آیه «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا» (نسا: ۳۴) و قاعده «الاسهل فالاسهل» در امر به معروف و نهی از منکر، سیاست تدریجی در تربیت را به کار برد. بنابراین استفاده از مجازات در درجه اول، مخصوص افراد مروج فرهنگ بی حجابی و بی‌عفتی در جامعه از جمله هنرمندان، سیاست‌مداران و همچنین گروه‌های

سازمان یافته وابسته به کشورهای دیگر خارجی است. در درجه بعدی، این مجازات‌ها در قبال مردم عادی باید مبتنی بر سیاست قرآنی تدریج باشد؛ یعنی در ابتدا با تذکرها و آموزش‌های مختلف فرد در مقام اصلاح فرد برآمد و در نهایت در صورت سرپیچی‌های مکرر، نیازمند برخورد قهری می‌باشد.

مهم‌ترین قاعده دینی در مسئله مقابله با بی‌حجابی و بدحجابی، قاعده تعزیر است که روایات اسلامی برای آن، اصولی ذکر کرده‌اند. از این رو می‌توان راهبردهای مختلفی را از آن استخراج کرد:

(الف) رعایت مصلحت جامعه و فرد: فقها با عبارت (التعزیر بما یراه الحاکم) به دنبال بیان این مطلب هستند که حاکم اسلامی بنا بر مصلحت فرد مجرم و مصالح اجتماعی، مقدار مجازات را مشخص می‌کند؛

(ب) عدم انحصار در تنبیه و مجازات بدنی: از قرائن مختلف، این مطلب اثبات می‌شود که تعزیر مختص به مجازات بدنی نیست و بلکه در مواردی مجازات بدنی ممکن نیست و باید از راه‌های دیگری فرد تنبیه شود؛ همان‌طور که در برخی از روایت‌ها، از تعزیرهای غیربدنی مثل حبس و تعزیر مالی نام برده شده است. مصادیق مختلفی از جمله حبس و زندان، گرفتن موقت یا دائمی بخش از مال مجرم، منع از معامله و رفت‌وآمد، منع از کار به صورت موقت، تحقیر و... را می‌توان در کنار مجازات تازیانه برای تعزیر برشمرد. البته امکان تلفیق آنها وجود دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۷۰-۸۶).

(ج) توجه به توانایی فرد مجرم: عبارت فقها با تعبیر (تعزیر کل احد بحسبه) و همچنین تعبیر روایت «علی قوة بدنه» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۸، ص ۳۷۵) آشکارا نشان می‌دهد که تعزیر برای مجرمین با شرایط مختلف باید متفاوت باشد. از سوی دیگر عدالت و انصاف نیز بر این مطلب صحه می‌گذارد که جریمه مادی یکسان برای کارگری که حقوق ۱۲ میلیونی دارد و شخصی که درآمدهای چندصد میلیونی دارد، متفاوت است. پیشنهاد فعلی که قابلیت اجرا دارد، تنظیم میزان مجازات مالی بر اساس دهک‌بندی یارانه افراد است. افزون بر این، مجازات باید برای افرادی که حکم الگوسازی و ترویج بی‌حجابی در جامعه را دارند سنگین‌تر باشد.

چهارچوب سیاستی کلان برای قانونگذاری در حوزه حجاب مبتنی بر حکمرانی اسلامی

د. سطح مجازات باید بازدارنده باشد: هدف اصلی در تعزیر ایجاد نوعی بازدارندگی در فرد است تا باردیگر به سمت جرم و گناه نرود (التعزیر هو التأدیب). این بازدارندگی باید باتوجه به میزان مجازات برای افراد مختلف بین عموم مردم، فعالین اقتصادی و فرهنگی مؤثر، دستگاه‌های دولتی مربوطه رعایت شود.

نتیجه

مسئله حجاب در ایران، فقط یک تکلیف فردی یا امر اخلاقی شمرده نمی‌شود، بلکه به مثابه یک پدیده چندوجهی و سیاست‌پذیر، در پیوند وثیق با ارزش‌های بنیادین نظام اسلامی، امنیت فرهنگی، هویت تمدنی و سلامت روانی جامعه قرار گرفته است؛ به‌ویژه آنکه دشمنان انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از راهبردهای جنگ ترکیبی و شناختی، سیاست‌زدایی از ارزش‌های دینی و تضعیف مرجعیت معرفتی شریعت را در دستور کار قرار داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای مواجهه حکیمانه با معضل بی‌حجابی، نمی‌توان صرفاً به تقنین کیفری یا اقدامات انتظامی بسنده کرد. براین اساس لازم است یک بسته سیاستی جامع، منسجم و چندلایه، طراحی و اجرا شود. در منظومه سیاست‌گذاری حکمرانی اسلامی، نقطه‌آغاز سیاست‌گذاری مؤثر، ماهیت جنگ نرم دشمن و راهبرد شناختی آن علیه ارزش‌های دینی و سپس بازسازی جبهه معرفتی انقلاب اسلامی در قالب جهاد تبیین است. در این چهارچوب، سیاست‌های دیگر، باید با محوریت جهاد تبیین تعریف شوند و کارکرد تکمیلی ایفا کنند:

* آموزش و فرهنگ‌سازی، به‌منزله خط دوم جهاد تبیین، به‌دنبال نهادینه‌سازی باور به حجاب و عفاف در ساحت تربیتی و آموزشی جامعه است؛

* خانواده‌محوری، راهبردی است برای تثبیت ارزش‌های عقیفانه در فرایند جامعه‌پذیری نسل جدید. خانواده، نخستین خط تماس کودک با نظم اجتماعی دینی است و باید به جای بازیگر منفعل، به کنشگر فعال در میدان جهاد تبیین تبدیل شود. دراین‌راستا نقش مادر مؤمنه به‌عنوان مبلّغ عملی حجاب و نقش پدر غیور به‌عنوان حامی غیرت و حیا، برجسته است؛

* تشویق و حمایت مشوقانه، حلقه‌ای است مکمل که بر پاداش و انگیزه‌سازی برای رفتارهای مطلوب متمرکز است. اگر جهاد تبیین بر اقناع عقلانی و ارزشی متمرکز است، سیاست تشویقی بر تحرک انگیزشی متمرکز می‌شود؛

* مردمی‌سازی نظارت اخلاقی، تضمین‌کننده پایداری ارزش‌ها در بستر جامعه است. وقتی نیروهای اجتماعی متدین در میدان حضور فعال و مؤثر داشته باشند، هزینه نافرمانی ارزشی بالا می‌رود و دامنه انفعال حاکمیت کاهش می‌یابد؛

* الگوسازی رسانه‌ای، جبهه‌سازی از حجاب در میدان رقابت الگوها و هویت‌هاست. بدون ارائه تصویر موفق، توانمند، جذاب و مؤثر از زن باحجاب در رسانه‌ها و فرهنگ عمومی، جهاد تبیین عقیم خواهد ماند؛

* مجازات بازدارنده و تنبیه قانونی، حلقه نهایی این زنجیره است؛ حلقه‌ای که نه در آغاز، بلکه در نقطه انتهای سیاست‌گذاری قرار دارد و مکمل دیگر حلقه‌هاست. در حکمرانی اسلامی، مجازات ابزاری برای تأدیب، حفاظت از حریم عمومی و رفع فساد اجتماعی است و باید با مصلحت، عدالت، تدریج و تناسب همراه باشد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت سیاست‌گذار در نظام اسلامی، پیش از تنظیم مجازات، باید میدان تبیین را سامان دهد؛ پیش از الزام، اقناع کند؛ پیش از کنترل بیرونی، انگیزش درونی را فعال سازد. چنین بسته‌ای، هم‌راستا با حکمت اسلامی، پاسخگوی واقعیت‌های اجتماعی و برخوردار از قابلیت اجرای حداکثری خواهد بود.

منابع

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۸ش). غرر الحکم و دررالکلم. قم: دار الکتاب الاسلامی.
۲. اشتریان، کیومرث (۱۴۰۱). راهنمای برنامه‌ریزی دولتی و سیاست‌گذاری عمومی. تهران: میزان.
۳. اشتریان، کیومرث (۱۴۰۲). نظریه‌های سیاست‌گذاری عمومی. تهران: میزان.
۴. امامیان سیدصادق و امیراحمد ذوالفقاری و احسان محمدزاده و مرتضی زمانیان (۱۳۹۷). نظام ملی تنظیم‌گری: ۱. مفهوم تنظیم‌گری و ارتباط آن با نظام حکمرانی. گزارش شماره ۱۵۹۴۰. تهران: دفتر مطالعات اقتصاد بخش عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. تهران
۵. برازش، علیرضا (۱۳۹۴ش). تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام. تهران: امیرکبیر.
۶. برقی، احمد بن محمد (بی‌تا). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir>.
۹. رضایی، حسن و روح‌الله دهقانی و مهرداد کیانپور (بی‌تا). طراحی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی حکمرانی اسلامی (دولت معیار). تهران: مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۸). «شیوه‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم». پژوهش‌نامه قرآن و حدیث. ش ۶. ص ۲۹-۴۸.
۱۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۲. قمی علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت:

- مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۴. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). الکافی. قم: دارالحديث.
۱۶. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران: دار محبی الحسین. چاپ اول.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). نظریه سیاسی اسلام. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). نظریه حقوقی اسلام. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۰. مطهری، مرتضی (بی تا). اخلاق جنسی در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). مسئله حجاب. تهران: انتشارات صدرا. چاپ ۵۲.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۲۳. معین الاسلام، مریم و ناهید طیبی (۱۳۸۱). روان شناسی زن در نهج البلاغه. قم: انتشارات بهشت بيش.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامية. چاپ سی و دوم.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). تعزیر و گستره آن. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب.
۲۶. ملامیرزایی، محمدحسین و مهدی بیاتی و محمد شریفی (۱۳۹۷). «تحلیل تفسیری سیر نزول آیات حجاب». مطالعات تفسیری. ش ۳۶. ص ۸۳-۱۰۲.
۲۷. ملک محمدی، حمیدرضا (بی تا). مبانی و اصول سیاست گذاری عمومی. تهران: سمت.

28. Bevir, Marh. (2021). Governance. Encyclopedia Britannica.
29. Colebatch, H.k. (2014). Making Sense of governance. Policy and Society. 33(4). 307-316.
30. Hill, M., & Hupe, p. (2009). *Implementing Public Policy*. New York: Sage Publications.
31. Howlett, M., Ramesh, M., & Perl, A. (2009). *Studying*

- Public Policy: Policy Cycles and Policy Subsystems*. Oxford, England: Oxford University Press.
32. Kennett, Patricia (2008). *Governance, Globalization and Public Policy*. UK: Edward elgar press.
33. Lester, J. P., & Stewart, J. (2000). *Public Policy: An Evolutionary Approach* (2nd ed.). Wadsworth/Thomson Learning.
34. Merriam-Webster(n.d.). Function . In Merriam-Webster.com dictionary. Retrieved December 3, 2023 from <https://www.merriam-webster.com/dictionary/function>.
35. Peters, B. G. (2020). *Advanced Introduction to Public Policy*. UK: Edward Elgar Publishing.
36. Pierre, Jon and B. Guy Peters (2000). *Governance, Politics and State*. London: MacMillan Press LTD.
37. Salamon, Lester M. (2011). The New Governance and The Tools of Public Action: An Introduction. *Fordham Urban Law Journal*. 28(5). 1611-1674.